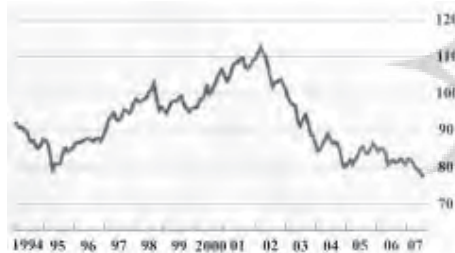




# تزلزل ارزش دلار

سید حسین علوی لنگرودی  
منبع The Economist.Com

ارزش برابر دلاری در برابر واحد پولی مهم دنیا



سوالی که در اینجا مطرح می شود، این است که این ضعف شدید و بی سابقه از کجا سرچشمه می گیرد. در پاسخ به این سوال کلیدی می توان به ضعف اقتصاد آمریکا در سال های اخیر اشاره کرد. رشد تولید ناخالص داخلی آمریکا در سال ۲۰۰۷ بسیار کمتر از اتحادیه اروپا، انگلستان، استرالیا و کانادا بود.

در سال ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸، اقتصاد ملی آمریکا از تزلزل بازار مسکن و نابسامانی بازار سهام رنج برده است و بحران بدهی های شرکتی به بانک های آمریکایی، فشار سنگینی بر بخش های مالی و سرمایه ای این کشور وارد آورده است.

رکورد شکنی های پی در پی قیمت نفت که با بروز بحران های سیاسی در نیجریه به اوج خود رسیده بیش از هر کشور دیگری به ضرر آمریکا تمام شده و دلار را بیش از هر واحد پولی دیگری کم ارزش و سخیف کرده است. رشد سرسام آور قیمت سوخت ضربات مهلکی بر رشد اقتصادی آمریکا وارد کرده و موجب فرار سرمایه از این کشور شده است.

از سوی دیگر، کشورهای تولید کننده و صادر کننده نفت که برای خرج

مدتی است، آمریکایی هایی که به خارج از ایالات متحده مسافرت می کنند، احساس می کنند کیف پولشان به نحوی سابقه ای، خیلی زود خالی می شود و با دلارهایی که در اختیار دارند، چیزهایی خیلی زیادی نمی توانند خریداری کنند. ارزش برابر دلاری در برابر ارزهای رایج جهان به طور بی سابقه ای در حال کاهش و به عبارت بهتر "سقوط" است. به عنوان مثال، هر پوند انگلیس با ۲۱۰۶ دلار برابری می کند و هر یورو هم با ۱۳۸ دلار.

این آمار و ارقام از نظر کارشناسان و صاحب نظران دنیای پول و اقتصاد، به هیچ وجه قابل پذیرش نیست و به عقیده آنها، بسیار نگران کننده است. چندی پیش بانک مرکزی آمریکا (فدرال رزرو) نرخ برابری دلار با هفت واحد پولی مهم جهان را طی چهارده سال اخیر (۱۹۹۴ تا ۲۰۰۷) اعلام کرد. بر اساس این آمار، ارزش برابر دلاری در مقابل این ارزها هم اکنون در پایین ترین سطح طی چهارده سال اخیر قرار دارد (نمودار بالا)

کردن دلارهای نفتی برنامه ریزی می کنند، به اروپا بیش از آمریکا، حسن نظر و گرایش دارند و همین مساله، تضعیف بیشتر دلار در برابر یورو را در پی داشته است.

بنابراین، عوامل تاثیرگذار بر تضعیف دلار را می توان به واسطه همزمانی سه عامل اصلی یعنی اوج گرفتن قیمت نفت، ضعف اقتصادی آمریکا و پریشانی بازار اعتبارات در آمریکا تجزیه و تحلیل کرد.

با این همه، برخی از کارشناسان اقتصاد آمریکا بر این اعتقادند که نیروهایی قدرتمند دیگری نیز وجود دارند که مسئول سقوط دلار بوده و هستند. به عنوان مثال، استیفن، از کارشناسان امور ارز در بانک مورگان استائلی معتقد است که راهبرد جدید بانک های مرکزی آسیایی در تنوع بخشیدن به ذخایر ارزی و فروش بیش از حد دلارهای انباشته شده در کشورهای آسیایی موجب ارزان شدن دلار در ماه های اخیر شده است. عملکرد ضعیف صندوق های بازنشستگی و شرکت های بیمه آمریکا و گرایش آنها به فاصله گرفتن از دلار نیز ضربه دیگری به بیکره دلار وارد کرده است. شایان ذکر است که این صندوق ها و شرکت ها در مجموع، مدیریت بیش از ۲۰۷ تریلیون دلار را بر عهده دارند که تقریباً چهار بار بزرگ تر از ذخایر ارزی رسمی جهان است که در اختیار بانک های مرکزی قرار دارد. به عنوان مثال، صندوق های بازنشستگی آمریکا با تغییر در رویکرد خود در مقابل دلار به سمت سایر ارزهای رایج جهان گرایش یافته اند به نحوی که سهم ارزهای غیر از دلاری از دارایی های این صندوق ها از ۱۵ درصد در سال ۲۰۰۳ به ۲۲/۵ درصد در ابتدای سال ۲۰۰۸ افزایش یافته و میزان دارایی های ارزی غیر از دلار این شرکت ها را به بیش از ۱/۱۶ تریلیون دلار رساند که با کل ذخایر ارزی غیر دلاری چین در حال حاضر برابری می کند.

### چرا، چگونه و به چه علت؟

آقای «ین» این پرسش کلیدی را مطرح می کند که آیا فقط بیم از تزلزل اقتصاد آمریکا و کاهش ارزش دلار موجب فاصله گرفتن جهان از دلار شده است یا اینکه عوامل دیگری نیز در این امر دخیل هستند؟ او در پاسخ به این پرسش این فرضیه را مطرح می کند که سرمایه گذاران بزرگ جهان که عملیات در ایالات متحده آمریکا متمرکز شده اند، نسبت به پیامدهای منفی و مهلک انکای بیش از حد به سرمایه های دلاری و به عبارت صحیح تر «داریایی های وطنی» خود هوشیار شده اند و در نتیجه می کوشند تا با تنوع بخشیدن به سرمایه گذاری های خود از نظر ارزی، در مقابل آسیب های احتمالی ناشی از سقوط ارزش هر کدام از آنها ایمن شوند. شبیه همین اتفاق در سال های گذشته در مورد ژاپن رخ داد، جایی که خود ژاپنی ها به طور وسیع اقدام به خرید داریایی های برون مرزی می کردند و از این طریق، زمینه کاهش ارزش ین را پدید آوردند. بر اساس این فرضیه، مهم ترین عامل

سقوط ارزش دلار، نه چین و اقتصادهای رو به رشد آسیایی، بلکه موسسات مالی غول پیکر آمریکایی بوده است که به عنوان پیشگامان فرآیند جهانی شدن اقتصاد، به دلار لطمات سنگین و جبران ناپذیری وارد می آورند.

علاوه بر این، ترس و نگرانی های بی مورد در خصوص آینده دلار نیز در ایجاد جو روانی منفی بر علیه دلار موثر بوده است. بررسی های اخیر کارشناسان بانک مریل لینچ نشان می دهد که اغلب مدیران بانک ها و موسسات مالی جهان به علت تزلزل دلار طی ۵ سال اخیر ترجیح می دهند تا معاملات جدید خود را بر مبنای ارزهای دیگری غیر از دلار انجام دهند و در نتیجه، سهم دلار از پورتنفوی بسیاری از بنگاه های اقتصادی و مالی جهان، حتی در داخل خود آمریکا، به شدت کاهش یافته است.

### معضلی دیگر به نام کسری حساب جاری

آخرین پرده از نمایش غم انگیز اضمحلال دلار به کسری بی سابقه و عظیم حساب جاری آمریکا طی سال های اخیر مربوط می شود که بدهی های برون مرزی آمریکا را به شدت افزایش داده است و به فاصله گرفتن اقتصادهای جهان از دلار دامن زده است. با این همه، برخی از اقتصاددانان هوشمند بر این اعتقادند که کاهش ارزش دلار، حربه ای است که زمامداران اقتصاد آمریکا برای کاستن از حجم کسری حساب جاری این کشور به کار بسته اند که گویا جواب مثبتی از آن گرفته اند.

میزان کسری حساب جاری آمریکا در ۵ ماهه نخست سال ۲۰۰۸ به مراتب کمتر از مدت مشابه سال قبل از آن بوده است که به عقیده این اقتصاددانان، نتیجه کاهش ارزش دلار در بازارهای جهانی بوده است، زیرا که با کاستن از ارزش دلار در برابر واحدهای پولی کشورهای صادر کننده به آمریکا، صادرات به آمریکا ارزان تر می شود و این یعنی کمتر شدن شکاف مربوط به تراز تجاری این کشور!

با وجود این همه توجیهات، عدم توازن در تجارت آمریکا با سایر کشورهای جهان به ویژه چین موجب شده تا نه تنها بر بیکره اقتصاد ملی آمریکا ضربات سنگینی وارد شود و از میزان رشد اقتصادی این کشور تا حد زیادی کاسته شود، بلکه اقتصاد کشورهای وابسته به آمریکا و دلار، به ویژه انگلستان، استرالیا و کانادا، نیز دستخوش تشویش و نابسامانی شوند، به نحوی که کسری حساب جاری استرالیا در سال ۲۰۰۷ به ۶۰ درصد تولید ناخالص داخلی این کشور افزایش یابد. این رقم در مورد سایر کشورهای وابسته به دلار آمریکا حتی تا ۹۰ درصد (در مورد نیوزیلند) نیز رسیده است. به طور کلی، از آمار منتشر شده از سوی بانک مرکزی آمریکا، قدرت خرید دلار در دوره زمانی بین سال های ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۷ به شدت کاهش یافته است به نحوی که در این دوره، ارزش برابر یورو دلار در برابر یورو ۱۵ درصد، در برابر دلار استرالیا ۱۸ درصد و در برابر بزرگ ترین اقتصاد جهان و دارنده عظیم ترین تولید ناخالص داخلی در جهان، یک فاجعه محسوب می شود.